آینه

ایران

روحانی به وعده‌هایش به‌عنوان یک حقوقدان عمل کرد

● **مجید انصاری:** امروز آزادی در عرصه مطبوعات و رسانه حتما بیش از گذشته شده؛ البته ممکن است تا فضای مطلوب فاصله داشته باشیم اما پیشرفتی که در فضای مجازی، توسعه دسترسی‌ها و آزادی‌ها داریم، بسیار بهتر شده است. البته گفتنی است که پاره‌ای از امور در حوزه مداخله مستقیم دولت نیست و رئیس‌جمهوری فقط به‌عنوان مجری قانون اساسی می‌تواند پیگیری و مطالبه کند؛ مانند برخی پرونده‌های قضائی؛ رئیس‌جمهوری در محدوده پست قانونی‌شان اقدام و پیگیری کرده‌اند ولی چون اختیار قانونی به عهده قوای دیگر است، بیش از اختیارشان نمی‌توانند مداخله کنند. البته قوای دیگر هم تلاش خود را می‌کنند. رئیس‌جمهوری نسبت به وعده‌هایی که درباره حقوق اساسی و شهروندی به مردم داده‌اند نیز پایبند بوده‌اند. به‌عنوان مثال این دولت با کمال صداقت به پاسخ‌گویی و عذرخواهی پایبند است.

رسالت

سخنی ناصحانه با رئیس‌جمهور

امر محبیان: جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین روحانی؛ ایفای هر نقشی شرایطی دارد؛ از یک روحانی آن‌هم رئیس‌جمهور نظام دینی پذیرفته نیست نقشی را پذیرا شود که با ماهیت او در تناقض است. آیا می‌توان روحانی رسما بی‌دین داشت؟ مسلما متناقض خواهد بود. یک روحانی البته با ادبیات مناسب باید از دین و ارزش‌های دینی دفاع کند؛ این هم شغل اوست و هم هویت او که بر مبنای آن لباس دفاع از دین را پوشیده است. از یک روحانی پسندیده نیست نقشی را ایفا کرده و تصویری از خود ایجاد کند که او را در برابر باورهای دینی مردم قرار دهد. مردم ما به‌درستی باوری از محوریت ائمه اطهار در هویت خویش دارند؛ برای آنها قداستی قائل‌اند که حتما شما نیز بر این باورید؛ قداست یعنی پذیرش حریمی الهی و جایگاهی متفاوت برای یک شخص یا محل یا حتی یک برگ کاغذ که آیه‌ای بر آن نوشته شده است. آیا شما اجازه می‌دهید که در کنار جایی که شما نشسته‌اید هر عملی خلاف شأن شما انجام گیرد؟ مسلما خیر! پس آیا حداقل نباید تا این حد برای محیطی مقدس از منظر دین حریم قائل بود؟ شما به نقد سخنان آیت‌الله علم‌الهدی پرداخته و ناظر به آن نکاتی را فرموده‌اید؛ این حق شما و حق هر انسانی است که سخنان را با حق بسنجد و نه حق را با افراد؛ اما لازمه درایت و انصاف آن نیست که بررسی مناسبی در این راستا صورت گرفته و سپس در تریبون این‌گونه موضع اتخاذ کنید؟ شما برای که خود را در برابر که قرار داده‌اید؟ آیا مشاوران شما با ارزیابی دقیق حضرتعالی را آماده این موضع‌گیری کرده‌اند؟ بعضی می‌گویند رئیس‌جمهور با استفاده از این سخنان می‌خواهند در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری، روی موجی سوار شوند که ضعف‌های اقتصادی و... را بپوشاند! من ترجیح می‌دهم نسبت به شما این‌طور بدبین نباشم؛ اما آیا این موج‌سواری‌های مقطعی همان پوپولیسمی نیست که آن را مذمت می‌کردید؟ جناب رئیس‌جمهور؛ به‌عنوان دوست پیشنهادی به شما دارم؛ پوپولیسم عنصری از مردم‌فریبی را درون خود دارد؛ به‌سوی آن نروید ولی اگر خواستید نه به‌عنوان پوپولیسم بلکه مردم‌گرایی، روی موج مردمی حرکت کنید؛ در یک جامعه دینی با مردم دین‌گرا همراه شوید به‌ویژه چون روحانی نیز هستید؛ حداقل در برابر موج دینی نایستید. ضمن آنکه قطعا می‌گویم آرایی که محصول بازی‌های این‌چنینی است؛ بی‌برکت خواهد بود یا کسی را به قدرت نمی‌رساند یا اگر هم برساند عاقبت خیری را برای او رقم نخواهد زد. حضرتعالی در سال ۹۲ در جمع دانشجویان دانشگاه شریف فرموده بودید: «آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت‌تر است» هرچند شدیدا معتقدم یک روحانی باید با خدا ببندد نه با کدخدا؛ هر که با خدا بست؛ نگران هیچ کدخدایی نخواهد بود ولی چون چنین باوری دارید، ناصحانه می‌گویم: این ملک خدایی دارد و کدخدایی؛ کدخدای این ملک امامان پاکی هستند که عمری را با رهنمودهای آنان طی کرده‌ایم؛ با این کدخدایان ببندید و از حریمشان دفاع کنید.

شهروند

چرا فراموشکارند؟

برخی از فعالان سیاسی و رسانه‌ای نزدیک به دولت پیش یا خیلی فراموشکارند یا خود را به فراموشی می‌زنند؛ منظور ما از فراموشی سال‌های خیلی دور نیست، بلکه در همین سال‌های اخیر است. کافی است که سال ۱۳۹۱ را به یاد آورند، که چگونه قلب اقتصاد کشور در چهارراه استانبول به تپش افتاده بود و به قول خودشان امثال جمشید بسم‌ا... نرخ ارز کشور را تعیین می‌کردند و طی اندک‌مدتی، نرخ ارز تا چهار برابر افزایش یافت و ریال کشور ۷۵ درصد ارزش خود را از دست داد؛ در آن زمان قیمت‌ها لحظه‌ای بود. بسیاری از فروشندگان اجناس خود را نمی‌فروختند، چون می‌دانستند با پول دریافتی که شامل قیمت خرید و سود بود، نمی‌توانند همان کالا را دوباره بخرند و به مغازه بیاورند.

پیشنهاد سخنگوی شورای نگهبان برای اصلاح نظام انتخابات:

بررسی صلاحیت احزاب به‌جای افراد

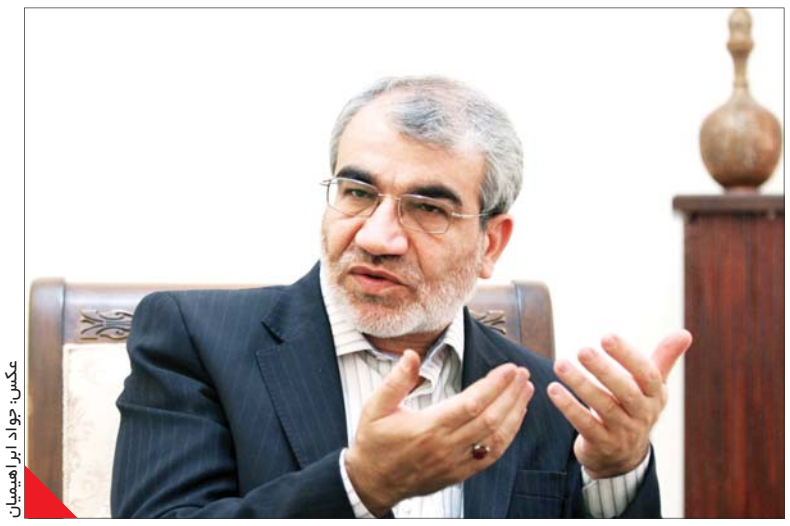

عکس: جواد ابراهیمیان

دکتر عباسعلی کدخدایی، اهل تعامل با رسانه است. سال‌ها سابقه سخنگویی شورای نگهبان او را به اندازه کافی در این وادی کارآزموده کرده است که رسانه‌های مختلف با گرایش‌های سیاسی متفاوت بتوانند رابطه خوبی با او پیدا کنند. او فقط سه سال از سمت فعلی خود یعنی عضو حقوق‌دان و هم‌زمان سخنگوی شورای نگهبان دور بوده اما در این دو ماهی که بازگشته همه تلاشش را برای پرکردن این خلأ کرده است. دو نشست خبری به فاصله کمی از هم برگزار کرد که البته یکی از آنها به بهانه روز خبرنگار و تعامل بیشتر با اهالی رسانه بود. در همین مدت کوتاه هم تقریبا با بیشتر رسانه‌های چاپی و غیرچاپی گفت‌وگوی اختصاصی داشته است؛ ولی مهم‌ترین گفت‌وگوی او در این سال‌ها، گفت‌وگویی بود که او با روزنامه «شرق» ۹ شهریور ۹۲ انجام داد. در زمانی که او عضو حقوق‌دان شورای نگهبان نبود اما صحبت‌های متفاوت و جالبی درباره انتخابات آن سال بر زبان راند؛ ازجمله اینکه درباره نحوه رأی‌گیری‌ها گفت: «آقای روحانی ابتدا پنج رأی داشتند و بعد روی شش رأی ثابت ماندند، آقای جنتی رایزنی کردند. آقای دکتر عارف که پنج رأی داشتند، آقای جنتی گفتند من ایشان را می‌شناسم از قدیم، انسان متدینی هستند اگر تمایل دارید به ایشان رأی دهید». گفت‌وگوی ما با آقای کدخدایی درباره موضوعات انجام شد، ازجمله برخی اظهارنظرهای سخنگوی قبلی.

سخنگوی قبلی در یک مصاحبه بیان کرده بودند که جایگاه سخنگویی یعنی بوق و اینکه می‌گفتند این جایگاه نیازمند یک نوع سیاست‌مداری است که در ایشان وجود ندارد. آیا شما با این تفسیر موافق هستید؟

افراد نظرات شخصی خود را اعلام می‌کنند، باید از خودشان سؤال شود که دلایلی که مطرح می‌کنند چیست. اولا هر پست سیاسی یک سازوکاری دارد. زمانی که یک فرد آن پست و سمت را می‌پذیرد یعنی براساس آن سازوکار فرد رفته و پذیرفته شده است؛ برای مثال نماینده مجلس، رئیس‌جمهور، هیأت وزیران، حقوق‌دانان شورای نگهبان و فقها یک چارچوب کاری دارند و در آن چارچوب هرکسی یک وظیفه‌ای را بر عهده دارد، حالا ممکن است فردی در این زمینه‌ها نظر خاص خودش را داشته باشد، اما سخنگو باید بیانگر نظرات آن نهاد باشد. سخنگو درواقع پیشانی کار برای بیان نظرات و عملکرد آن نهاد است. این جایگاه، مهم و پست بسیار حساسی است. حالا اگر کسی نظر شخصی داشته باشد طبیعی است. برای مثال برخی از اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان هستند که هیچ‌وقت حاضر به مصاحبه نیستند، خب این افراد دلایل شخصی خودشان را برای مصاحبه نکردن دارند و فکر نمی‌کنم این ربطی به جایگاه و سمت آنها داشته باشد چراکه جایگاه در هر نهادی تعریف‌شده است. در شورای نگهبان جایگاه سخنگو کاملا تعریف‌شده است، آیین‌نامه و شرایط دارد. دوستان ما در دوره قبل حتی یک آیین‌نامه برای وظایف سخنگو و بیان نظرات نهاد تعریف کردند.

به نظر شما این شرایط و آیین‌نامه عملکرد سخنگو را محدود نکرده است؟

چارچوبی را تعیین کرده است ولی محدود نکرده است، یک شورای سه‌نفره‌ای را پیش‌بینی کرده است که سخنگو مشورت‌هایی را با آن سه نفر داشته باشد و مطالب و نظرات شورای نگهبان را مطرح کند.

در مصاحبه‌ای که در انتخابات سال ۹۲ با شما داشتیم، گفتید که قانون و قانون‌گذار چون اختیار رد یا تأیید صلاحیت افراد را به اعضای شورای نگهبان داده است، ناگزیر سلیقه افراد در رد یا تأیید صلاحیت دخیل می‌شود یا ورود پیدا می‌کند؛ این درواقع اختیاری است که قانون به آنها داده است مگر اینکه قانون عوض شود. می‌خواهیم در رابطه با این سلیقه‌ای که مطرح شده است صحبت کنیم؛ مثلا سخنگوی قبلی بیان کردند که در ماجرای رد صلاحیت نامزدهای مجلس دهم به‌هرحال سلیقه اعضای شورا بر این بود که برخی از افراد التزام کافی به نظام جمهوری اسلامی ندارند. دایره توصیف و تفسیر این ماده «التزام عملی به اسلام» چیست و چه اتفاقی می‌افتد که برخی از افراد براساس این ماده رد صلاحیت می‌شوند. دایره تفسیر و توضیح آن چگونه است؟

بحث سلیقه به این معنی نیست که هرکس به دلخواه خود یک نظری را تحمیل کند، همه مراجع قانونی در چارچوبی که قانون برای آن مطرح کرده است نظرات خود را بیان می‌کنند. حالا این چارچوب‌ها گاهی اوقات مشخص شده است به صورت مصداقی چه تصمیمی را آن فرد بگیرد که مجاز به تصمیم‌گیری است. باز یک کف و سقفی را برای آن در نظر می‌گیرند. وقتی که یک رأی صادر می‌شود طبیعی است که براساس تشخیص قاضی است، اما در چارچوبی که قانون هم جرم و هم مجازات آن را تعیین کرده است؛ مثلا مجازات را از شش ماه تا سه سال حبس در نظر گرفته است. خب اگر قاضی حداکثر را تصمیم‌گیری کند و رأی بدهد شما نمی‌توانید دلیلش را بپرسید. چراکه او در نزد خود براساس اسناد و مدارکی که در دست دارد قانع شده است که به متهم مجازات حداکثری وضع کند. این را نمی‌توانیم بگوییم سلیقه است، اختیاری است که بنا به تشخیص موضوع قانون به او داده است؛ چون در مسائل اجتماعی و اعتباری ما نمی‌توانیم یک ملاک معین و یک خط دقیق تعیین کنیم. در بحث انتخابات که اشاره کردید قانون‌گذار ما یک شرایطی را در مواد ۲۸ و ۳۰ ذکر کرده است. موارد و بندهای مختلفی دارد که ما معتقد هستیم هرچقدر قانون‌گذار این بندها را کمی‌تر کند و معیار و مصداق روشن‌تری برای آن بدهد بهتر است. ولی به‌هرحال قانون‌گذار در آن تاریخ، یکی از دلایل خود را عدم التزام به قانون اساسی و عدم التزام به اسلام ذکر کرده است. تشخیص عدم التزام با مدارک و اسنادی که در پرونده است بر عهده اعضای شورای نگهبان قرار دارد. اعضای شورای نگهبان تشخیص می‌دهند آیا این عمل فرد مصداق عدم التزام به اسلام و قانون اساسی است یا خیر. در این تشخیص همان‌طور که دو قاضی ممکن است اختلاف‌نظر داشته باشند، مثلا در مجازات سرقت، من و همکارم هم ممکن است اختلاف‌نظر داشته باشیم. من ممکن است معتقد باشم این فرد مصداق عدم التزام نیست و همکار دیگر ما نظر دیگری داشته باشد.

به نظر شما این غیرطبیعی نیست که جمع زیادی از اصلاح‌طلبان با این گزاره «عدم التزام به اسلام» ردصلاحیت شوند و حتی مصداق این عدم التزام هم بیان نشود؟ یکی از آقایان اصلاح‌طلب، تعریف می‌کرد وضو گرفته بوده تا نماز بخواند، دوستی به شوخی به او می‌گوید تو که براساس اعلام نظر شورای نگهبان التزام عملی به اسلام نداری برای چه دیگر نماز می‌خوانی؟

این هم از برداشت‌های عوامانه است. این‌گونه نیست. حالا شاید تعداد افرادی که به این طیف منتسب هستند، بیشتر ثبت‌نام کردند یا ممکن است تخلفات متوجه این طیف بوده است؛ ولی شورای نگهبان نگاه سیاسی و جناحی نداشته است. آنچه که مهم است ما باید اسناد و مدارک را در پرونده ببینیم. فرقی نمی‌کند آن فرد اصلاح‌طلب باشد یا اصولگرا. باید آن اسناد و مدارک با بندهای قانونی منطبق باشد. اعضا براساس اسناد و مدارک و اختیارات قانونی که قانون‌گذار به آنها داده است، وضعیت افراد را بررسی می‌کنند.

شورای نگهبان یک‌سری گزارش‌ها از نهادهای چهارگانه و بعضا نهادهایی که خود شورای نگهبان به‌عنوان بازوی اجرائی خود انتخاب کرده، دریافت می‌کند؛ آیا اولویتی در توجه به این اسناد و مدارک برای شورای نگهبان وجود دارد یا نه؟ و دیگر اینکه شما از میان خیل مستندات چه‌طور صحت‌وسقم آن را بررسی می‌کنید؟ سخنگوی قبلی و عضو فعلی حقوق‌دان شورای نگهبان، در نقد وضع فعلی می‌گفتند باید به افراد فرصت دفاع داده شود. مثلا ممکن است آن اسناد به دلایلی سندیت و پشتوانه کافی نداشته باشد. ایشان قائل به تشکیل یک شبه محکمه بودند که حرف‌های فرد هم شنیده شود و قاضی‌ای هم وجود داشته باشد که براساس مستندات و دفاعیات فرد، حکم صادر کند. درواقع ایشان اذعان داشتند قانون فعلی محدودیت‌هایی دارد و ممکن است حق افراد تضییع شود.

دو بحث را مطرح کردید؛ یکی بحث مراجع چهارگانه و اینکه گزارش‌هایی که اعلام می‌شود و آیا این اسناد و مدارک به خود افراد اعلام می‌شود یا نه و اینکه آیا ما نهاد بالاتر و مرجع قضائی رسیدگی داریم یا نه. توجه داشته باشید قانون‌گذار وقتی مرجعی را تعیین می‌کند چه قضائی باشد چه جز آن، آن مرجع اگر تصمیمش تمام‌کننده قضیه باشد و اصطلاحا قاطع دعوا باشد، دیگر شما نمی‌توانید بگویید چرا مرجع دیگری وجود ندارد؛ چراکه قانون این‌گونه پیش‌بینی کرده است. در واقع باید قانون را اصلاح کنیم. چون تصمیم‌گیرنده نهایی در ارتباط با صلاحیت‌ها و صحت‌وسقم گزارش‌ها، شورای نگهبان است. مرجع دیگری پیش‌بینی نشده است. ما نمی‌توانیم نزد خود یک مرحله را اضافه کنیم و مثلا نظرات شورای نگهبان را به دیوان‌عالی کشور ارجاع دهیم، قانون اساسی چنین چیزی را پیش‌بینی نکرده است. قانون گفته است مراجع چهارگانه گزارش دهند که این طریقیت دارد موضوعیت ندارد؛ چون گزارشی را که یک مرجع ارسال می‌کند، ما فرض را بر این قرار می‌دهیم که گزارش صحیحی است و مرجع رسمی قانونی آن را اعلام می‌کند. گزارشی که نهادها می‌دهند از جهت سندیت معتبر است ولی درباره صحت‌وسقم آن اعضای شورای نگهبان باید تشخیص دهند. تشخیص نهایی بر عهده شورای نگهبان است. چون تشخیص صلاحیت را قانون بر عهده اعضای شورای نگهبان گذاشته است. اگر لازم باشد مرجع و کارشناس دعوت می‌کنند تا توضیح بیشتری بدهند و این امر زیاد اتفاق می‌افتد. ما در زمان انتخابات عموما با این مراجع چهارگانه وزارت اطلاعات، اداره تشخیص هویت نیروی انتظامی و دادگستری مرتب سروکار داریم یا کارشناسان ما آنجا هستند. حتی ما آنها را به جلسات شورا دعوت می‌کنیم.

ما می‌توانیم در انتخابات آینده این‌گونه پیش‌بینی کنیم که مسئولیت صلاحیت افراد بر عهده احزاب باشد. به جای اینکه شورای نگهبان ۱۲ هزار نفر را بررسی کند، ۱۰ حزب را بررسی کند. ما صلاحیت احزاب را بررسی کنیم نه افراد را. ولی این امر نیازمند قانون است. طبیعی است که با وضعیت فعلی امکان‌پذیر نیست. قانون فرهنگ آن سهمیه باید حتما لحاظ شود که ما بتوانیم فعالیت حزب داشته باشیم

ولی گفته می‌شد که برخی از نامزدهای ردصلاحیت‌شده اعتراض کرده و درخواست رسیدگی مجدد داشتند، ولی شورای نگهبان حتی فرصت برگزاری این جلسه را هم پیدا نکرد.

ما تعداد زیادی را داریم که هیأت‌های اجرائی صلاحیت آنها را تأیید نکردند؛ اما آنها اعتراض نکردند و ماجرا تمام شد و رأی قطعی هم صادر شد. تعداد اندکی هستند که اعتراض داشتند. این افراد به دفاتر ما مراجعه می‌کنند. اسناد و مدارک به آنها داده می‌شود و دلایل ردصلاحیت به آنها اعلام می‌شود که برخی قبول نمی‌کنند. ما گفتیم اگر کسانی فکر می‌کنند که دلایل به آنها داده نشده است مراجعه کنند. فکر می‌کنید تاکنون چند نفر مراجعه کرده‌اند؟

نمی‌دانم.

تاکنون حدود سه، چهار نفر مراجعه کرده‌اند. تمام کسانی که شکایت کرده‌اند پرونده آنها بررسی شده است. اعتراض‌ها همه بررسی شده است، اگر درخواست ملاقات کرده باشند، طبق قانون به آنها اجازه ملاقات داده شده است و دلایل هم گفته شده است. حداقل اینها این است که وقتی ما نامه به وزارت کشور می‌نویسیم، اعلام می‌کنیم به استناد بند فلان ماده ۲۹ و ۳۰ صلاحیت این فرد مدنظر، تأیید واقع نشده است و این بندها در قانون مشخص است. وقتی طرف مراجعه نمی‌کند ما نمی‌توانیم به زور به او دلایل را اعلام کنیم. سر ما به اندازه کافی شلوغ هست و دیگر فرصت این کار را نداریم.

به‌لحاظ قانونی باید ۱۲ عضو شورای نگهبان این صلاحیت‌ها را بررسی کنند؛ اما شما با تشکیل هیأت‌های نظارت بخشی از این وظایف خود را تفویض کرده‌اید. اکثریت نامزدها ابتدا از سوی این هیأت‌های نظارت رد یا تأیید صلاحیت می‌شوند.

نه، توجه بفرمایید، شما قانون را خوب مطالعه نکرده‌اید؛ شورای نگهبان یک هیأت مرکزی پنج تا هفت نفره از داخل و خارج از شورای نگهبان طبق قانون تعیین می‌کند، هیأت مرکزی در واقع هیأت‌های استانی را انتخاب می‌کند و هیأت‌های استان، هیأت‌های شهرستان را. هیأت استان بر هیأت‌های شهرستان نظارت می‌کند و همه مراحل تأیید و رد آنها باید به هیأت مرکزی هم اعلام شود. علاوه بر اینکه اگر اعتراضی باشد، از همان مرحله اول به ترتیب شروع می‌شود، درواقع حالت سلسله‌مراتب دارد. در هیأت نظارت شهرستان، اگر کسی اعتراض کرد، به هیأت نظارت استان ارجاع داده می‌شود، اگر در آنجا هم کسی اعتراض کرد، هیأت مرکزی و اگر کسی در هیأت مرکزی اعتراض کرد، شورای نگهبان، بررسی می‌کند.

بحث من هم همین است دیگر.

شما مثلا می‌گویید چرا دادگاه بدوی قانون صادر می‌کند، برای اینکه به او اختیار داده شده است؛ اما از دادگاه بدوی می‌توانید بروید دادگاه تجدید نظر و درخواست تجدید نظر بدهید، از دادگاه تجدید نظر هم به دیوان‌عالی کشور تجدید نظر کنید.

ولی در نهایت بیشترین بررسی‌ها را نه ۱۲ عضو شورای نگهبان به‌ویژه در انتخابات مجلس، بلکه اعضای هیأت انجام می‌دهند. درست است؟

نه، ما می‌گوییم بررسی صلاحیت‌ها طبق قانون انجام می‌شود، ما این اصطلاح را به کار می‌بریم.

ولی به‌هرحال همیشه این بحث و سؤال مطرح است که اعضای هیأت‌های نظارت وابسته به جناح خاصی هستند و اگرچه گفته می‌شود از معتمدان محل هستند؛ اما معمولا گرایش سیاسی در انتخاب این افراد مؤثر است و این قطعا در ماجرای تأیید یا رد صلاحیت‌ها تأثیر دارد. سؤال ما این است که واقعا سازوکار انتخابات به چه شکلی است؟ صحبتی که سخنگوی قبلی داشتند این بود که شورای نگهبان...

قرار نیست بین سخنگوی قبل و فعلی مجادله داشته باشیم، قانون برای ما ملاک است.

ولی به‌هرحال بحث اخباری است که درباره شورای نگهبان گفته شده، ما می‌خواهیم بدانیم صحت‌وسقم این اخبار چقدر است. سخنگوی قبلی گفته بودند: «مجلس بخش‌های مختلفی دارد. ما یک تشکیلات نظارتی داریم که از قبل اطلاعاتی درباره اشخاص جمع می‌کند. شورای نگهبان نمایندگانی در استان‌ها دارد که آنها زیر نظر دبیر شورای نگهبان فعالیت می‌کنند و ما اطلاعی از کم‌وکیف فعالیت آنها نداریم. البته می‌دانید که همه ۱۲ نفر نمی‌توانند کار اجرائی را با هم انجام دهند، یک نفر باید امور اجرائی را ساماندهی کند؛ اما چون شورای نگهبان باید کار نظارتی انجام دهد، باید امکان نظارت و استیضاح برای همه اعضای شورای نگهبان در مقررات داخلی پیش‌بینی شود که چنین چیزی نداریم؛ بنابراین در بحث انتخابات مجلس شورای اسلامی هم مقداری از عقبه کار جدا هستیم. داوری و قضاوت ما از آن ۲۰ روزی شروع می‌شود که تازه وارد کار می‌شویم. من از چگونگی شکل‌گیری پرونده‌های داوطلبان، کسانی که تحقیقات محلی را انجام می‌دهند و چگونگی تعیین آنها و اینکه آیا سلایق آنها متنوع هست یا نیست اطلاعی ندارم. انتخاب اعضای هیأت‌های نظارت در شهرستان‌ها بیشتر یک امر اجرائی تلقی شده و به‌موقع به اطلاع اعضای شورای نگهبان نرسیده و شاید هم رویه‌های ناقصی است که قصدی پشت سرش نیست. به نظرم باید طرحی نو دراندازیم.»

این با هیأت نظارت کاملا متفاوت است؛ ما هیأت‌های نظارتی داریم که طبق قانون در زمینه بررسی صلاحیت‌ها، صلاحیت دارند که قبلا اشاره کردم؛ یعنی شورای نگهبان، هیأت مرکزی، هیأت استان و هیأت شهرستان. پس اینها طبق قانون بررسی می‌شوند؛ اما در بحث‌های اجرائی طبق آیین‌نامه داخلی دبیر انتخاب می‌شود، دبیر مسئولیت اجرائی را دارد؛ یعنی مسائل اداری و پشتیبانی. ما از سال ۱۳۷۹ دفاتر انتخاباتی را با عنوان دفاتر نظارت و بازرسی شورای نگهبان در استان‌ها تشکیل دادیم، دولت هم طبق قوانین و مقررات، بودجه در اختیار آنها قرار می‌دهد. آن دفاتر کارهای اجرائی یعنی کارهای پشتیبانی انجام می‌دهند که قبلا به‌این صورت بود که شب انتخابات هیأت نظارت استان که می‌خواست شکل بگیرد، ما نمی‌دانستیم کجا برویم، چه کار کنیم و به چه صورت افراد را پیدا کنیم و این ثبت و ضبط و صورت‌جلسه‌ها کجا انجام شود. باید اتاقی را در استانداری یا فرمانداری می‌گرفتند و تمام می‌شد و اسناد و مدارکی باقی نمی‌ماند. برای این پشتیبانی و برای اینکه این کارها منظم باشد، دفاتری با عضویت سه تا پنج‌نفره را در نظر گرفتیم که در چارت شورای نگهبان اعلام شده و مشخص است، این کار اجرائی زیر نظر دبیری است که منتخب اعضاست؛ اینها کار جمع‌آوری اطلاعات انجام نمی‌دهند، زمانی که درباره موضوعی ابهام داشته باشیم، اینها به ما کمک می‌کنند ابهامات برطرف شود؛ برای مثال گزارشی از یک فرد در شهرستان به دست ما می‌رسد که ما در جریان آن نبوده‌ایم، از این دفاتر می‌خواهیم یک بررسی محلی انجام دهند و به ما گزارش دهند.

اما سخنگوی قبلی گفته بودند «از چگونگی شکل‌گیری پرونده‌های داوطلبان، کسانی که تحقیقات محلی را انجام می‌دهند و چگونگی تعیین آنها و اینکه آیا سلایق آنها متنوع هست یا نیست، اطلاعی ندارم. انتخاب اعضای هیأت‌های نظارت در شهرستان‌ها بیشتر یک امر اجرائی تلقی شده است و به‌موقع به اطلاع اعضای شورای نگهبان نرسیده و شاید هم رویه‌های ناقصی است که قصدی پشت سرش نیست. به نظرم، باید طرحی نو دراندازیم».

نه اصلا، وقتی که شورای نگهبان هیأت مرکزی را انتخاب می‌کند، هیأت مرکزی مسئولیت این کار را دارد. هر زمان که شورای نگهبان نیاز داشت آنها را دعوت می‌کند. هیأت‌های مرکزی فعالیت دیگری ندارند. زمان انتخابات تشکیل می‌شوند و موقت هستند. آنها برای هر انتخاباتی شکل می‌گیرند و بعد از اتمام انتخابات فعالیتشان هم تمام می‌شود. هیأت مرکزی متشکل از اعضا و غیراعضاست که از تعداد آنها حداقل یک نفر باید از اعضای شورا باشند و حتما گفته‌اند از اعضای شورا هم باید در داخل هیأت باشد. به دلیل اینکه گزارش خوبی ارائه شود معمولا بین سه یا چهار نفر از اعضای شورا انتخاب می‌شوند و نیز به دلیل اینکه ارتباط بیشتری با شورا داشته باشند. کل عملکرد هیأت نظارت در خود شوراست. شورا هر زمان که اراده کند، می‌تواند از هیأت مرکزی استفاده کند چون خود اعضا در هیأت مرکزی حضور دارند. هر زمان که اراده کند، می‌تواند از هیأت مرکزی گزارش بخواهد و همیشه هم در شورا مطرح شده است. بارها در زمانی که من حضور داشتم، در مسائل مهم یا آنهایی که در هیأت مرکزی اختلاف نظر داشتند، خود هیأت مرکزی به شورای نگهبان ارجاع می‌داد. به این طریق مسائل مطرح می‌شد. هیأت مرکزی با دفاتر دو نهاد جدا هستند.

شما چرا آماری از اینکه چند درصد از افرادی که در هیأت نظارت حالا در مراحل مختلف تأیید می‌شوند، در مراحل آخر رد می‌شوند یا برعکس ندارید؟

ادامه در صفحه ۱۹

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

کیهان

● واشنگتن‌پست: ایران به اولویت آمریکا در منطقه بدل گشته است
● وزیر ارشاد: فیلم‌سازان مسلمان می‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای بشر امروز باشند
● معاون‌اول رئیس‌جمهور: عملکرد دولت در مسیر توزیع ثروت است
● وزیر اقتصاد: میانگین نرخ رشد اقتصادی دولت نهم از دولت‌های قبلی بیشتر است
● نایب‌رئیس مجلس: دولت نهم در خدمت‌رسانی به مردم گوی سبقت را از دولت‌های پیشین ربوده است
● البرادعی: ایران به دنبال سلاح اتمی نیست

اعتماد

● یک مهندس در رأس شبکه بانکی؛ طهماسب مظاهری صندلی ابراهیم شیبانی را گرفت
● خداحافظی زودهنگام ثمره‌هاشمی از وزارت کشور
● [رئیس دولت اصلاحات]: تندروی‌ها حاصل سخت‌گیری‌های بی‌مورد است
● دانش‌جعفری: کسری بودجه داریم اما متمم نمی‌دهیم
● وزیر علوم: اخراج استادان تنها با حکم کمیته انضباطی میسر است
● درگیری لفظی افروغ با اصولگرایان حامی دولت در مجلس
● شهرداری تهران اقدام کرد: تخریب ناگهانی املاک واقع در طرح بزرگراه امام علی

ایران

● رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت وزیران: دولت به اصلاح واقعی همت گماشته است
● افشار جانشین ثمره‌هاشمی در وزارت کشور شد
● وزیر اقتصاد: دولت تعریفی روشن و دقیق از عدالت دارد
● وزیر اطلاعات: کوچک‌ترین تحرکات اشرار در مرزها را زیر نظر داریم
● سخنگوی وزارت خارجه: توقف یا کاهش در فعالیت‌های هسته‌ای صورت نگرفته است
● البرادعی: صدور تسلیحات به خاورمیانه منطقه را ناامن‌تر می‌کند
● وزیر علوم: هیچ دانشگاهی قصد اخراج استادان را ندارد

آفتاب

● حجت‌الاسلام علیخانی: حمایت از دولت بزرگ‌نمایی موفقیت‌ها و پوشاندن ضعف‌ها نیست
● علاءالدین بروجردی در دیدار با سفیر کره شمالی: از هر وسیله‌ای برای رهایی مردم عراق بهره می‌گیریم
● بررسی لایحه اصل ۴۴ در مجلس آغاز شد
● سعیدلو: استعفای شیبانی شایعه است، الهام: استعفا پذیرفته شد
● اهانت بی‌شرمانه روزنامه سوئدی به پیامبر اکرم(ص)
● سخنگوی وزارت خارجه: در موضوع هسته‌ای هیچ توقفی وجود ندارد
● وزیر اطلاعات: اجازه خروج و آزادی هاله اسفندیاری در دست قاضی است

جمهوری اسلامی

● رهبر انقلاب: مسئولان، هیچ لحظه‌ای را برای فعالیت در راه خدا و خدمت به مردم از دست ندهند
● طهماسب مظاهری رئیس کل بانک مرکزی شد
● سخنگوی دولت: رئیس‌جمهور شتاب بیشتری از وزرا برای کار انتظار دارد
● سخنگوی وزارت خارجه: صدور قطع‌نامه بر نوع همکاری‌ها با آژانس تأثیرگذار است
● رئیس سازمان حج ایران خواستار برخورد قاطع دولت عربستان با افراد کج‌اندیش شد
● البرادعی: آمریکا با صدور سلاح خاورمیانه را ناامن می‌کند
● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: ایران به دنبال سلاح اتمی نیست
● تولید انبوه بمب هوشمند در ایران آغاز شد
● ۳۸۵ میلیون سهام شرکت مپنا در ۵ دقیقه به فروش رفت
● خط لوله انتقال فراورده‌های نفتی «بندرعباس - اصفهان» افتتاح شد

اطلاعات

● رهبر معظم انقلاب: دولت نهم در دل‌های ملت امید ایجاد کرده است. حرکت در راه عدالت باید با همه قوا ادامه یابد
● تغییر رئیس بانک مرکزی؛ رئیس‌جمهور ضمن موافقت با استعفای شیبانی، طهماسب مظاهری را به جای او منصوب کرد
● [رئیس دولت اصلاحات]: شخصیت‌های انقلابی نباید تخریب شوند
● رئیس مجلس: میلاد حضرت مهدی عید توحید، ایمان، عدالت و امید است
● وزیر اطلاعات: کوچک‌ترین تحرک اشرار در مرزها را تحت کنترل داریم